

بررسی تفسیری سیر تعامل پیامبر اکرم ﷺ با اهل کتاب در مکه

امیر احمدنژاد*

زهرا کلباسی**

چکیده

روایتگری آیات وحی از دوران رسالت پیامبر در مکه و قراین متقن تاریخی، جملگی بر حضور اهل کتاب در مکه و تعامل پیوسته آنان با پیامبر و مسلمانان گواهی می‌دهد. تعاملی که با تجلیل از اهل کتاب آغاز گشته، به سؤال‌های آنان پاسخ درخور داده و حتی مرجعیت علمی ایشان در بازگویی سرگذشت مردمان پیشین را پذیرفته است، اما در همان نیمه نخست دوران نزول وحی در مکه، به چند دستگی اهل کتاب و اختلاف و تردید آنان در فهم تورات اشاره کرده و گروهی را با تندترین بیان نقد نموده است. نقدی که در گذر سال‌ها با تیره‌شدن روابط این دو قطب توحیدی افزایش یافته و به تناسب آن از آیات تجلیل کاسته شده، چنان‌که در آخرین فقرات وحی که فضای مجادله میان مسلمانان و اهل کتاب شکل گرفته، امت پیامبر فرمان یافته‌اند تا از جدال با دشمنان موحد خود اعراض نمایند، با این همه نگاه قرآن به تعاملات میان این دو قطب توحیدی در سراسر سال‌های رسالت پیامبر در مکه مثبت بوده و آن‌گونه که با تجلیل از مؤمنان دیگر ادیان آغاز گردیده با فرمان مسلمانان به جدال احسن و تکیه بر مشترکات با اهل کتاب خاتمه یافته است.

واژگان کلیدی

آیات تاریخی، تفسیر تاریخی، اهل کتاب، روابط با اهل کتاب.

amirahmadnezhad@hotmail.com

zhrakalbasi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۴/۶/۵

*. استادیار دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول).

** دانشجوی دکتری دانشگاه اصفهان.

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۱

طرح مسئله

آیات متعدد و شواهد تاریخی متقن از نقش یهودیان و حضور مستمر آنان در فراز و نشیب‌های دوران ۲۳ ساله رسالت رسول خدا ﷺ خبر می‌دهد. نقشی که آنان علی‌رغم تصور برخی قرآن‌پژوهان، تنها در مدینه به‌عنوان اقلیت متنفذ و قدرتمند به ایفای آن نپرداختند، بلکه در مکه نیز عهده‌دار آن بودند، از این‌رو اهل کتاب وزنه سنگینی از آیات وحی را به خود اختصاص داده‌اند که بخش قابل توجهی از آن در مکه و در قالب خطاب‌های مستقیم و غیر مستقیم به ایشان نزول یافته است.

با این وجود عموم مورخان و مفسران در شناخت نقش یهود در جریان رسالت پیامبر ﷺ، بر دوران حضور ایشان در مدینه و تقابل نظامی و غیر نظامی آنان با مسلمانان تأکید شده و ابعاد تعامل این دو قطب توحیدی در جامعه شرک‌محور قریش، مغفول مانده است. این مقاله بر آن است تا به این سؤال پاسخ دهد که سیر تعامل پیامبر اکرم ﷺ با اهل کتاب در مکه، براساس آیات سور مکی قرآن کریم چگونه بوده است؟ به‌منظور نیل به این هدف، آیات مکی مرتبط با اهل کتاب براساس موضوع دسته‌بندی شده، سپس هر گروه براساس سیر نزول مرتب شده‌اند که در این راستا فهرست محمدعزت دروزه در *تفسیر الحدیث* مورد استناد قرار گرفته است.

گفتنی است دروزه خود نیز در این باره به هفت روایت سیر نزول قرآن رجوع کرده و عاقبت به مصحفی که وزارت داخله مصر، سور را بر حسب سیر نزول در آن تنظیم نموده و به روایت حفص از عاصم به طبع رسانده، اعتماد نموده و البته با اجتهادهای مدلل خود تغییراتی در آن داده است (دروزه، ۱۳۸۳: ۱ / ۱۴ - ۱۲۴) ضمن آنکه محمدهادی معرفت نیز سوره‌های مکی مذکور در این مقاله را همچون دروزه جای‌گذاری نموده و میان این دو سیر اختلافی به چشم نمی‌خورد. (معرفت، ۱۴۱۵: ۱ / ۱۳۶ - ۱۳۵)

گزارش مفسران از آیات مکی مرتبط با اهل کتاب

مفسران در مواجهه با آیات پرشمار مکی که پیرامون اهل کتاب سخن گفته، درباره تعامل آنان با اقلیت مسلمانان مکه، مواضع صریح و غیرصریح اتخاذ نموده‌اند که آنان را می‌توان ذیل دو گروه متقدم و معاصر دسته‌بندی نمود.

دیدگاه مفسران متقدم

مفسران متقدم در تفسیر آیات مکی مرتبط با اهل کتاب، آنها را متناسب با سیاق سوره مکی قلمداد کرده و عموماً به تعیین یهودیان و یا مسیحیان مدّظر آیه پرداخته‌اند که این موضع آنان را می‌توان موافقت غیرصریح با حضور اهل کتاب در مکه به شمار آورد. در این باره به روایات شأن نزول ذیل آیات ۵۴ - ۵۱

بررسی تفسیری سیر تعامل پیامبر اکرم ﷺ با اهل کتاب در مکه □ ۲۱

سوره قصص در تفاسیر ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۴ / ۲۹۲ - ۲۹۱؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۶ / ۲۱۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۷ / ۴۰۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۳ / ۲۹۶ و ذیل آیات ۱۰۹ - ۱۰۷ سوره اسراء به رازی، ۱۴۲۰: ۲۱ / ۴۱۷؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۵ / ۱۲۰؛ آیه ۲۰ سوره انعام به ابن عاشور، بی تا: ۶ / ۴۹؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۴ / ۴۷۱؛ طوسی، بی تا: ۶ / ۳۵۴؛ رازی، ۱۴۲۰: ۱۹ / ۱۶۲؛ آیه ۱۹۷ سوره شعراء به طبری، ۱۴۱۲: ۱۹ / ۶۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۷ / ۳۲۰ می توان تمسک جست.

دیدگاه مفسران متأخر

این گروه به طور عمده و صریح درباره زمان نزول این آیات موضع گیری نموده و البته دو دیدگاه کاملاً متفاوت را رقم زده اند که در ادامه به آن اشاره می گردد:

مفسران قائل به عدم تعامل پیامبر اکرم ﷺ با اهل کتاب در مکه

برخی قرآن پژوهان به ویژه در دوران معاصر، با پذیرش قاعده ای مبنی بر عدم تعامل پیامبر اکرم ﷺ با اهل کتاب در مکه، به تأویل مخاطب آیات مکی یا مدنی قلمداد نمودن یک آیه در سوره مکی به سبب آنکه خطاب آیه به اهل کتاب بوده، روی آورده اند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵ / ۳۶۷ و ۱۲ / ۱۹۴؛ صبحی صالح، ۱۳۷۴: ۶۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵ / ۲ و ۵ / ۳۳۸ و ۷ / ۴۰؛ حسینی، ۱۳۰۴: ۶ / ۳۴؛ جعفری، بی تا: ۵ / ۴۶۰ - ۴۵۹؛ ملاحویش، ۱۳۸۲: ۲ / ۵۸۷)^۱ هر چند این مفسران خود در مواردی به نقض این پیش فرض پرداخته و به مکی بودن آیات مرتبط با اهل کتاب اذعان نموده اند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷ / ۲۷۱ و ۱۶ / ۱۳۷؛ جعفری، بی تا: ۶ / ۳۶۶ و ۳ / ۴۹۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۰ / ۲۳۳) اما وجود قرائن تاریخی متعدد مبنی بر حضور یهودیان در مکه به عنوان مقیم یا مسافر و انبوهی از آیات مکی که به صراحت از تعامل پیامبر با اهل کتاب سخن می گوید، اصل حضور یهودیان در مکه را مسجل می نماید.^۲

مفسران قائل به وجود تعامل پیامبر اکرم ﷺ با اهل کتاب در مکه

افزون بر مفسران متقدم، برخی از مفسران معاصر شیعه و سنی نیز، آشکارا بر حضور اهل کتاب در مکه صحه نهاده اند. ایشان به طور عمده با استمداد از سیاق سوره هایی که آیاتی از آنها به مدنی بودن متهم گردیده، به اثبات مکی بودن این دسته از آیات اختلافی پرداخته و با بیان چند نمونه از آیات مکی که در ارتباط با اهل کتاب نازل گشته، به مواجهه مستقیم اهل کتاب با پیامبر و مسلمانان حکم کرده اند. (ر.ک: دروزه، ۱۳۸۳:

۱. همچنین ر.ک به: دیدگاه مقاتل در این باره در تفسیر ابن عاشور، بی تا: ۱۹ / ۱۰۶؛ بیان این دیدگاه در ادله قائلان به مدنی بودن آیه ۹۱ انعام در تفسیر رازی، ۱۴۲۰: ۳ / ۶۱ - ۵۹؛ گزارش نقادانه دروزه از مصحف مورد اعتمادش که برخی آیات مکی در این باره را مدنی قلمداد نموده در تفسیر دروزه، ۱۳۸۳: ۳ / ۲۶۰ و ۴ / ۷۵.

۲. برای مشاهده تفصیلی قرائن تاریخی و وحیانی ثابت کننده حضور یهودیان در مکه ر.ک: احمد نژاد و کلباسی ۱۳۹۳.

۴ / ۱۴۲، ۲۶۰ و ۲۶۷؛ طباطبایی،^۱ ۱۴۱۷: ۷ / ۲۷۱؛ ابن عاشور، بی تا: ۲۶ / ۲۷۱ - ۲۷۰؛ سید قطب، ۱۴۱۲: ۲ / ۱۰۶۰؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۸ / ۱۴۸ و ۱۰ / ۱۳۸؛ کاشانی، ۱۳۶۶: ۲ / ۱۷۹ و ۱۰ / ۳۹۴ - ۳۹۳

دروزه افزون بر نظرات صریحی که در تفسیر خود در این باره ارائه نموده، در کتاب *سیرة الرسول* نیز به تفصیل به تعامل پیامبر با اهل کتاب در مکه پرداخته است. وی معتقد است گروهی از یهودیان در مکه سکونت داشته یا دست کم در تردد میان مکه و مدینه بوده‌اند که مناسبات تجاری و غیرتجاری آنان با قریش، زمینه‌ساز سفر آنان به مکه بوده است، اما حضور تعداد گسترده و قابل توجه مسیحیان در مکه امری حتمی بوده که شواهد تاریخی نیز موید آن است، از این رو وی دعوت پیامبر اکرم ﷺ در مکه را به دو برهه دعوت صرف مشرکین و دعوت اهل کتاب همراه مشرکین تقسیم نموده و چنین نتیجه گرفته که در مکه پیرامون انحراف‌های اهل کتاب کمتر سخن به میان آمده و تنها در چند موضع مسیحیان به سبب اعتقادهای غلوآمیز نقد شده‌اند، اما درباره یهودیان اغلب به بیان خطای گذشتگان آنان پرداخته شده و عتابی متوجه یهودیان معاصر نزول نشده است. وی نقدهای یهودیان معاصر را در دوران مدینه دانسته و تنها به ذکر احتمالی بسنده کرده که شاید برخی از یهودیان در مکه نیز عتاب شده باشند. او توحیدمحوری یهودیان و اشتراک با مسلمانان در مناسک شاخص را موجب نزدیکی بیشتر آنان به مسلمانان در مقایسه با مسیحیان غالی و مشرکان دانسته که همین احتمال ایمان ایشان را افزایش داده و عتاب‌هایشان را کاهش داده است. (دروزه، بی تا: ۳۵۲ - ۳۲۷)

تعامل قرآن با اهل کتاب معاصر پیامبر اکرم ﷺ

اینک در پی سؤال اصلی مقاله، با استمداد از آیات سیر تعامل پیامبر با اهل کتاب در مکه با عنایت به ترتیب نزول سور مکی بازخوانی شده است.

حاصل این پژوهش نیز استخراج ۲۶ فقره وحی در ۲۱ سوره مکی بوده که درباره اهل کتاب به صراحت و غیرصراحت سخن گفته است. فقراتی که برخی شامل یک آیه و برخی از چند آیه تشکیل شده که هر یک در این بخش به حسب موضوع تعاملات صورت گرفته مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تجلیل از اهل کتاب

نخستین موضع قرآن درباره اهل کتاب، تجلیل و ستایش بی نظیر از آنان در سوره‌های اعراف، قصص، اسراء و احقاف است. نخستین فقره آیه ۱۵۷ اعراف است که به اتفاق مفسران، مکی به‌شمار می‌رود. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴ / ۶۰۸؛ طوسی، بی تا: ۴ / ۳۴۰؛ دروزه، ۱۳۸۳: ۲ / ۳۶۱) برخی نیز به نزول این سوره پس از سوره ص

۱. هرچند علامه طباطبایی در مواضعی به صراحت از عدم تعامل اهل کتاب با پیامبر در آیات مکی سخن گفته، اما در تمامی آیات مکی مرتبط با اهل کتاب به ظواهر آیات وحی وفادار بوده و مخاطب آن را اهل کتاب دانسته است، افزون بر آن عبارات‌هایی نیز هم در نقض این نظریه بیان کرده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷ / ۲۷۱)

اشاره کرده‌اند. (رازی، ۱۴۲۰: ۱۴ / ۱۹۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲ / ۸۵؛ دروزه، ۱۳۸۳: ۲ / ۵) ابن‌عاشور، زمان نزول سوره ص را در سال سوم قبل از هجرت دانسته (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۲۳ / ۱۰۷) قرشی نیز تاریخ نزول این سوره را سال‌های پنجم و ششم پیش از هجرت، تخمین زده است (قرشی، ۱۳۷۷: ۹ / ۱۵۹)، از این‌رو زمان نزول سوره اعراف را در سال چهارم تا هفتم مکی می‌توان فرض نمود که این تاریخ پیش از نیمه اول دوران مکه محسوب می‌شود. بنابراین سابقه تعامل اهل کتاب با مسلمانان در طی هفت تا نه سال، دوران رسالت پیامبر در مکه قابل رصد خواهد بود که با آیه ۱۵۷ اعراف و تجلیل از عالمان اهل کتاب که به حقانیت رسالت پیامبر اکرم ﷺ اعتراف نمودند، آغاز گردیده است. در این آیه که جملگی مفسران مقصود از آن را گروهی از اهل کتاب دانسته‌اند، افرادی به سبب ایمان به پیامبری که وی را در کتب مقدس تورات و انجیل پیش از آن شناخته بودند، مورد تجلیل قرار گرفته‌اند. (طبری، ۱۴۱۲: ۹ / ۵۹ - ۵۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸ / ۲۷۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۷ / ۲۹۸ - ۲۹۷؛ عبده، ۱۹۹۰: ۹ / ۱۹۴؛ ابن‌عاشور، بی‌تا: ۸ / ۳۱۳)

دومین موضعی که مؤمنان اهل کتاب تجلیل شده‌اند، آیات ۵۴ - ۵۲ سوره قصص است که گروهی از اهل کتاب که پیشتر به کتاب آسمانی خود ایمان آورده و با نزول قرآن به حقانیت آن نیز اذعان کردند، می‌گویند: ما پیشتر مسلمان بودیم. خدا نیز به آنان لطف کرده و به سبب این صبر، به آنان دو پاداش عطا می‌نماید، اما شایستگی آنان تنها به اقرار زبانی به اسلام ختم نشده، بلکه در عمل نیز دفع بدی با خوبی نموده و از روزی خود انفاق می‌نمایند و آنگاه که سخن بیپوده می‌شنوند، اعراض کرده و در برابر ناملایمت می‌گویند: «اعمال هرکسی برای خود او است.» سپس بر مخالفان سلام کرده و گویند: «ما در طلب دوستی با جاهلان نیستیم.» علامه طباطبایی این آیات را خطاب به اهل کتاب مسلمان شده که در آیه ۱۵۷ اعراف نیز از آنان یاد شده، دانسته است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۵۴ - ۴۷)

مفسران نیز در شأن نزول این آیات به سفر ۱۲ نماینده نجاشی به مکه به منظور اطلاع از صحت دعاوی مهاجران حبشه اشاره کرده‌اند که مسلمان شدند و در بازگشت درگیری لفظی با ابوجهل پیدا کردند. (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۶ / ۲۲۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۳ / ۲۹۶؛ ابن‌عاشور، بی‌تا: ۲۰ / ۷۶) بنابر شأن نزول دیگری، آیه در وصف ده یهودی ایمان آورده نازل شده و برحسب روایت سوم این آیه در وصف ۴۰ مسیحی که ۳۲ نفر از حبشه و مابقی از شام به مکه آمده و ایمان آوردند نازل گردیده است. (ابن‌عطیه، ۱۴۲۲: ۴ / ۲۹۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۷ / ۴۰۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۳ / ۲۹۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۵ / ۱۳۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۰ / ۳۰۱) در نتیجه با استناد به الفاظ صریح آیه و وجه مشترک روایات شأن نزول، این آیات مکی را می‌توان دومین موضع صریح قرآن در تجلیل از اهل کتاب دانست.

سومین سوره مکی که به ایمان اهل کتاب پرداخته، آیات ۱۰۹ - ۱۰۷ اسراء است. در این آیات خداوند در برابر سرکشی مشرکان، ایمان یا کفر آنان را یکی دانسته؛ زیرا حقانیت کلامش با ایمان عالمان اهل کتاب

بدان مسجل گردیده است؛ عالمانی که آنگاه که آیات وحی بر آنان تلاوت می‌شود، سر به سجده نهاده و می‌گویند: «بارالها وعده تو محقق شدنی است.» طبری این آیات را به نوعی تحدی با کفار دانسته؛ زیرا آنان از اسلام اعراض کرده و خدا به آنان می‌فرماید: «ایمان یا اعراض شما یکسان است؛ زیرا کسانی که به‌عنوان مردان علمی و معیار تشخیص حق از باطل می‌شناختید، ایمان آوردند و حقانیت قرآن را ثابت نمودند.» (طبری، ۱۴۱۲: ۵ / ۱۲۰) دروزه نیز سیاق آیات را که بر پایه جدال و اتمام حجت با مشرکان بنا شده، دلیلی بر ایمان این گروه از عالمان اهل کتاب در مکه دانسته است. (دروزه، ۱۳۸۳: ۳ / ۴۳۹ - ۴۳۸) ابن‌عاشور نیز مصادیق اهل کتاب ایمان آورده در این آیه را بیان کرده است. (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۱۴ / ۱۸۳)

آیه ۱۰ سوره احقاف چهارمین آیه‌ای است که از ایمان عالم یهودی و شهادت او بر حقانیت اسلام سخن گفته است. هرچند در تفاسیر مقصود از این عالم، عموماً عبدالله بن سلام بیان شده و در مکی یا مدنی بودن این آیه تردید شده، (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۱ / ۳۱۳) اما دروزه با تصریح بر اینکه این آیه با مشرکان تحدی نموده، ترجیح داده این آیه را همچنان مکی بدانند. (دروزه، بی‌تا: ۳۳۹) چنان‌که قرطبی روایات فراوانی از اختلاف‌نظر میان اصحاب تفسیر نقل کرده که عده‌ای مقصود از این عالم یهودی را فرد دیگری دانسته و آیه را نیز مکی به‌شمار آورده‌اند. (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۶ / ۱۸۸) قرشی نیز با پذیرفتن این فرض که یهودیانی در سفر به مکه ایمان آورده باشند، مکی بودن آیه را بلامانع دانسته است. (قرشی، ۱۳۷۷: ۱۰ / ۱۳۸)

در مجموع آیات تجلیل از اهل کتاب، نخستین موضع‌گیری اسلام بوده و در بازه زمانی طولانی نیز ادامه یافته است، به‌طوری که تجلیل از اهل کتابی که مسلمان شدند در سال‌های نخست نزول وحی آغاز و پس از نزول ۲۶ سوره در سال‌های پایانی دوران مکی خاتمه یافته است.

پاسخ به سؤال‌های اهل کتاب

دومین قسم از تعاملات، سؤال‌های اهل کتاب است که مستقیم یا به‌واسطه مشرکان از رسول خدا ﷺ پرسیده شده است. قدیمی‌ترین نمونه در این باره به روایات شأن نزول سوره توحید بازمی‌گردد، هرچند در نصّ این سوره قرینه‌ای بر حضور اهل کتاب یافت نمی‌شود و روایات شأن نزول نیز گوناگون نقل شده، اما پذیرش سه روایتی که نزول این سوره را مرتبط با سؤال اهل کتاب بیان کرده، به‌منزله تعیین نخستین تعامل پیامبر با این قشر در مکه است؛ زیرا بدون تردید نزول سوره توحید بر اعراف مقدم بوده است (ر.ک: دروزه، ۱۳۸۳: ۲ / ۶۸ و ۳۶۱) و مواضع تجلیل از عالمان اهل کتاب که نخستین بار در سوره اعراف بیان شده را باید، دومین بخش از تعاملات اسلام با اهل کتاب در مکه به‌حساب آورد، چنان‌که براساس روایتی از امام صادق علیه السلام، روایتی از ابن‌عباس و روایتی از سعید بن جبیر که در بسیاری از تفاسیر نقل شده، گروهی از اهل کتاب و یا یکی از عالمان آنان، از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره کیفیت توصیف خدای متعال پرسیدند که در پاسخ جبرئیل سوره توحید را نازل

نمود. (طبری، ۱۴۱۲: ۳۰ / ۲۲۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰ / ۸۵۹؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۰ / ۳۳۳؛ بلاغی، ۱۳۸۶: ۷ / ۳۳۲)

دومین مورد از شأن نزول‌های مرتبط با یهودیان، آیه ۱۸۷ سوره اعراف است که بنا بر رأی مفسران در پاسخ به یهودیانی که از پیامبر درباره زمان وقوع قیامت سؤال پرسیدند، نازل گشته است. (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۲ / ۴۸۴؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۴ / ۳۱۳؛ طبری، ۱۴۱۲: ۹ / ۹۳؛ طوسی، بی تا: ۵ / ۴۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۷ / ۴۰)

سومین موضع آیه ۸۵ سوره اسراء است. قتاده این آیه را در پاسخ به سؤال یهودیان پیرامون روح دانسته (طوسی، بی تا: ۶ / ۵۱۵) طبرسی در توضیح پرسش یهودیان به دو قول اشاره کرده که در اولی یهودیان خود از پیامبر ﷺ درباره روح سؤال کردند و در دومی مشرکان پرسش یهودیان را با پیامبر مطرح ساختند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۶۷۵)

چهارمین پرسش یهودیان ذیل سوره یوسف نقل گردیده است. ابن عطیه این سوره را در پاسخ به سؤال مشرکان دانسته که از یهود آموختند که درباره یوسف نبی ﷺ پرسش نمایند. (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۳ / ۲۱۸) اما سیوطی در روایتی این سوره را در پاسخ به سؤال مستقیم گروهی از احبار یهودی معرفی نموده که با شنیدن این سوره و تطابق آن با تورات، شگفت‌زده شده و پس از مراوداتی با پیامبر، ایمان آوردند. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۴ / ۳)

پنجمین پرسش اهل کتاب در آیات ۲۳ - ۲۵ سوره کهف انعکاس یافته است. طبری از قتاده نقل کرده که این آیات در پاسخ به اظهار نظر یهودیان نازل گشته، (طبری، ۱۴۱۲: ۱۵ / ۱۵۲) هر چند طبرسی این قول را تضعیف نموده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۷۱۵) اما سیوطی سبب نزول داستان ذوالقرنین را، سؤال گروهی از احبار یهودی دانسته که در محضر پیامبر مطرح کردند (سیوطی، ۱۴۰۴: ۴ / ۲۴۱) چنان که حویزی نیز مشابه این روایت را از امام کاظم ﷺ نقل نموده است. (حویزی، ۱۴۱۵: ۳ / ۲۹۳) با این همه، ابن عاشور نیز به روایت مشهوری تمسک کرده که براساس مفاد آن، یهودیان به اعراب آموختند که درباره اصحاب کهف، ذوالقرنین و روح از پیامبر ﷺ پرسش نمایند تا در صورت پاسخ به دو سؤال نخست و عدم پاسخ به سؤال سوم، حقانیت وی بر آنان اثبات گردد. (ابن عاشور، بی تا: ۱۵ / ۱۲۱) در نهایت سؤال‌های اهل کتاب در این دوران را در چند موضوع توحید، معاد، انسان‌شناسی و اطلاعات تاریخی می‌توان دسته‌بندی نمود که پرسش از وضعیت گذشتگان پرکاربردترین سؤال در میان آنان بوده است.

چند دستگی اهل کتاب

سومین نوع از تعاملات قرآن با اهل کتاب، در آیاتی که آنان را چند دسته نموده، محسوس است. نخستین فقره آیه ۳۲ سوره فاطر است که هر چند نمی‌توان زمان دقیق نزول آن را معین نمود، اما برحسب میزان آیات نازل شده پیش از آن، می‌توان تخمین زد که در نیمه اول سال‌های مکی نازل شده است. براساس این آیه اهل کتاب بندگان برگزیده الهی‌اند که به سه گروه ظالم، میان‌رو و سبقت‌گیرنده در خوبی‌ها تقسیم شده‌اند و

عاقبت هر یک بیان شده است. (فاطر / ۳۷ - ۳۲)

دومین مصداق آیات ۴۶ و ۴۷ سوره عنکبوت است که خدا به امت مسلمان دستور داده تا با اهل کتاب به جدال احسن بپردازند، جز گروهی از آنان که ظالم‌اند که این معنا در واقع از دو دستگی اهل کتاب در تعامل قرآن با ایشان پرده برمی‌دارد.

سومین مصداق، آیه ۳۶ سوره رعد - با فرض مکی بودن این سوره - است که مواضع اهل کتاب در قبال نزول قرآن را نشان داده است. بر این اساس برخی از اهل کتاب از نزول قرآن خوشحال می‌شوند و برخی دیگر آن را انکار می‌کنند. این آیه با عنایت به تاریخ‌گذاری دروزه، آخرین وحی درباره اهل کتاب در مکه است (دروزه، ۱۳۸۳: ۵ / ۵۱۵) که از موضع متفاوت قرآن با اهل کتاب حکایت می‌کند، ضمن آنکه متقابلاً از واکنش اهل کتاب نیز خبر داده و عناد و انکار آشکار برخی از آنان را نشان می‌دهد، اما چنانچه به برخی دیگر از روایات سیر نزول و از جمله دیدگاه محمدهادی معرفت استناد شود، سوره رعد مدنی بوده (معرفت، ۱۴۱۵: ۱ / ۱۳۷) و از این سیر خارج می‌گردد و آیات ۴۷ - ۴۶ سوره عنکبوت به‌عنوان آخرین فقره وحی مکی پیرامون اهل کتاب شناخته می‌شود، اما به هر جهت این قسم از تعاملات پیامبر با اهل کتاب در مکه که به اجمال آنان را به صالحان و ظالمان تقسیم نموده تقریباً از نیمه نخست سال‌های دعوت پیامبر در مکه شروع و تا آخرین فقره وحی در مکه اعم از آنکه سوره رعد یا عنکبوت باشد، ادامه یافته است.

نقد اهل کتاب

برحسب سیر نزول اولین آیات هر گروه، چهارمین قسم این تعاملات به عتاب اهل کتاب معاصر زمان نزول اختصاص یافته است، هرچند عتاب نیاکان آنان پیش‌تر در سوره اعراف بیان شده که در ادامه از آن یاد می‌شود، اما از سوره مریم عتاب اهل کتاب معاصر نزول نیز آغاز گردیده و تا سوره عنکبوت که براساس روایات سیر نزول سور قرآن، آخرین سوره مکی درباره اهل کتاب است، ادامه یافته است.

نخستین مورد آیات ۳۷ - ۳۴ سوره مریم است که موضع منفی قرآن نسبت به غلو مسیحیان و تفریط یهودیان را بیان می‌کند. این آیات پس از داستان تولد اعجاز‌گونه حضرت عیسی علیه السلام، کسانی که درباره وی شک کرده و یا بیهوده مجادله می‌کنند را عتاب کرده و خدا را از داشتن فرزند منزّه دانسته است. نکته حائز اهمیت مضارع بودن فعل «یمترون» است که اختلاف و کشاکش مداوم اهل کتاب پیرامون مسئله عیسی بن مریم را تا زمان نزول قرآن نشان می‌دهد. (طیب، ۱۳۷۸: ۸ / ۴۳۸) مشابه این عتاب در آیات ۶۵ - ۶۱ سوره زخرف نیز نقل شده است.

دومین مورد از آیات نقد اهل کتاب، آیات ۹۱ - ۹۰ سوره حجر است. در آیه ۸۹ سوره حجر، مشرکان مکه از ابتلا به عذاب «مُقْتَسِمین» که قرآن را تکه‌تکه کردند، برحذر شده‌اند. پیرامون آنکه مقصود از «مُقْتَسِمین»

چه کسانی بودند، مفسران سه نظریه را بیان نموده‌اند که بنابر یکی از آنها «مُتَّسِمِينَ»، گروهی از اهل کتاب بودند که به تعبیری قرآن را بخش‌بخش کرده و هریک برای استهزاء سوره‌ای را برای خود انتخاب می‌کردند و یا کتاب آسمانی خود را تقسیم کرده و به بخشی مؤمن و بخشی کافر گردیده‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۵۳۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲ / ۵۸۹؛ ابن‌عاشور، بی‌تا: ۱۳ / ۶۸) مغنیه، مفسر لبنانی تبار شیعی، تنها اهل کتاب را به‌عنوان مخاطبین این آیه معرفی نموده است (مغنیه، ۱۴۲۴: ۴ / ۴۹۰)، بنابراین در صورتی که این آیه را در نقد یهودیان مسخره‌گر محسوب نماییم، این فقره از وحی دومین موضع تند قرآن نسبت به اهل کتاب در مکه به‌شمار می‌رود.

آیه ۲۰ سوره انعام سومین عتاب اهل کتاب در دوران مکه به سبب انکار پیامبر شناخته‌شده از سوی یهودیان است. هرچند برخی مفسران با این تصور که کارشکنی یهود پس از هجرت آغاز شده، این آیه را مدنی پنداشته‌اند (رازی، ۱۴۲۰: ۱۲ / ۵۰۱؛ دروزه، ۱۳۸۳: ۴ / ۷۵) اما در مقابل برخی آن را با سیاق مرتبط دانسته و مکی به‌شمار آورده‌اند. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲ / ۱۲) سید قطب می‌نویسد:

هرچند تقابل یهودیان اغلب در مدینه اتفاق افتاده و در مکه تعاملات سازنده‌ای برقرار بوده، اما این آیه ترجیحاً مکی است و بنابر آن اهل کتابی که از ایمان سرباز زده‌اند همچون مشرکان عتاب گردیده‌اند. (سید قطب، ۱۴۱۲: ۲ / ۱۰۶۰)

ابن‌عاشور نیز شهادت اهل کتاب در فضای مکه را به‌منظور اثبات حقانیت پیامبر در برابر مشرکان امری ضروری و حیاتی دانسته است، درحالی‌که جز عده معدودی پیامبر را تصدیق نکردند، از این رو مورد عتاب واقع شدند. (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۶ / ۴۹)

آیه ۹۱ سوره انعام نیز چهارمین نمونه از آیات نقد یهود، به‌شمار می‌رود: «... إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيَّ كِتَابٍ مِنْ شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ لِيَجْزِلُوهُ، قَرَأْتِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا...» هرچند در مرجع ضمائر آن میان مفسران اختلاف بوده و برخی آن را عتاب به یهود و برخی عتاب به مشرکان دانسته‌اند، اما مفسران بسیاری همچون فخررازی (۱۴۲۰: ۱۳ / ۶۳ - ۶۰)، زمخشری (۱۴۰۷: ۲ / ۴۴)، علامه طباطبایی (۱۴۱۷: ۷ / ۲۷۱) و مغنیه (۱۴۲۴: ۳ / ۲۲۴ - ۲۲۲)، یهودیان را مخاطب همه قسمت‌های آیه دانسته و به اشکال‌هایی که با انتخاب این دیدگاه مطرح می‌گردد، پاسخ گفته‌اند.^۱

پنجمین نقد اهل کتاب نیز در آیه ۱۰ سوره احقاف ذکر شده است. این آیه ایمان عالم بنی‌اسرائیل را اتمام حجتی بر سایر اهل کتاب دانسته که آیات وحی را انکار می‌کنند و پس از اقرار وی نیز همچنان مستکبران بر کفر خود باقی می‌مانند.

۱. برای مشاهده تفصیلی دلایل مکی بودن آیه ۹۱ انعام ر.ک: کلباسی و احمدنژاد، ۱۳۹۵.

ششمین نقد اهل کتاب در مکه به آیات ۴۷ - ۴۶ سوره عنکبوت اختصاص یافته است. این آیه افزون بر آنکه یکی از متقن‌ترین آیات در اثبات حضور اهل کتاب در مکه است؛ زیرا به چگونگی تعامل مسلمانان با آنان می‌پردازد؛ آیه‌ای شاخص در ترسیم آخرین تعاملات این دو قطب توحیدی در مکه به‌شمار می‌رود. قرشی در تأیید این معنا به رفت‌وآمد اهل کتاب به مکه و پرسش‌های آنان درباره دین جدید اشاره کرده، که نزول این آیه را ضروری ساخته است. (قرشی، ۱۳۷۷: ۸ / ۱۴۸) بنابر نص آیه، اهل کتاب به دو گروه ظالم و غیرظالم تقسیم شده‌اند که مسلمین در برابر غیرظالمان موظف به جدال احسن و اعتراف به ایمان به کتب آنان و تکیه بر خدای مشترک گردیده‌اند. سپس خدای متعال از ایمان گروهی از اهل کتاب و مشرکان و کفر اقساری دیگر از این دو فرقه خبر داده و فقط کافران را منکران آیات خویش خوانده است.

اما آنچه از این آیه به روشنی می‌توان استفاده نمود، تیرگی روابط میان مسلمانان و اهل کتاب است؛ زیرا مسلمانان به مجادله با اهل کتاب روی آورده‌اند. این تغییر شرایط و رسیدن به مجادله زمانی خود را روشن تر نشان می‌دهد که آیات تصدیق پیامبر جدید توسط اهل کتاب که زمینه تعاملات نخست پیامبر با ایشان بود را به یادآوریم. با این همه تیرگی روابط تنها به وقوع مجادله منتهی نشده است، بلکه گروهی از اهل کتاب چنان به عداوت آشکار دست زده و در برابر مسلمین صف‌آرایی نمودند که قرآن در آیه ۴۶ سوره عنکبوت آنان را ظالمانی خوانده که حتی نباید با آنان مجادله نمود و در آیه ۴۷ همین افراد را در کنار مشرکان قرار داده و به سبب انکار وحی، کافرشان خوانده است، بنابراین دروزه که قائل به عتاب حداقلی یهودیان در مکه است، با استناد به این آیه، اواخر این دوران را مصادف با موارد شاذی دانسته که یهودیان تحت تأثیر سران شرک، به ظلم روی آورده بودند. (دروزه، بی‌تا: ۳۴۲ - ۳۴۱)

سید قطب مقصود از ظالمان اهل کتاب را گروهی دانسته که در توحید منحرف شدند که قرآن با آنان سازش ننموده است. آنان نیز در مدینه با پیامبر جنگیدند و همواره در تأیید مخالفان سخن گفتند. (سید قطب، ۱۴۱۲: ۵ / ۲۷۴۵)

با این وجود از دستور بر جدال احسن با اهل کتاب نباید غافل گشت؛ زیرا که این آموزه نقطه‌ای عطف در کشف نگاه قرآن به این فرقه توحیدی است. طبرسی مقصود از جدال احسن را مناظره‌ای بر پایه مدارا دانسته که با هدف خیررسانی به فرد مقابل صورت می‌پذیرد. سپس نوع گفتمان این جدال احسن را مشابه آیه ۴۴ سوره طه دانسته که به حضرت موسی علیه السلام فرمان داد تا با زبانی نرم با فرعون سخن گوید تا وی را متذکر ساخته و یا از پروردگار بترساند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸ / ۴۴۹)

بیضاوی تنها خصلت مجادله موردنظر پروردگار را احسن بودن آن دانسته و آن را به پرهیز از خشونت و فرو بردن خشم و نصیحت‌خواهی توصیف کرده و محتوای آن را تأکید بر مشترکات و اذعان به ایمان به ادیان اهل کتاب و آیین اسلام بیان کرده است. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۴ / ۱۹۶) چنان‌که علامه طباطبایی نیز

هدف جدال احسن را نزدیکی دل‌ها دانسته است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۱۳۷) در نتیجه تمرکز بر عنصر مدارا در جدال احسن که از منظر قرآن شیوه تعامل با اهل کتاب غیرمعاند بوده، لزوم همبستگی و تلاش الهی در حفظ روابط حسنه میان این دو قطب توحیدی را نشان می‌دهد، چنان‌که آیه نیز به مسلمانان فرمان داده تا بر مشترکاتی که با اهل کتاب دارند، تأکید ورزند و آن را قاعده و چارچوبی برای مجادله قرار دهند تا در مسائلی که درون حصار اشتراک بر توحید و وحی و نبوت جای می‌گیرد، به وحدت دست یابند.

در مجموع با استناد به آیاتی که ذکر شد، اهل کتاب معاصر نزول قرآن در ۶ آیه به‌صراحت مورد نقد واقع شده‌اند؛ هرچند می‌توان به آیاتی که آنان را به فرق مؤمن و ظالم یا منکر وحی تقسیم نموده نیز به‌عنوان آیات نقد تمسک جست (فاطر / ۳۲؛ رعد / ۳۶)؛ زیرا در آن قسم از آیات نیز عده‌ای که در گروه معاند قرار داشته و به‌صراحت عذاب دوزخ به آنان وعده داده شده، (فاطر / ۳۷ - ۳۶) مورد هجوم قرآن قرار گرفته‌اند. با این همه نقدها و عتاب‌هایی که با الحان شدیدی بیان شده قابل توجه است. اهل کتابی که به انکار پیامبر جدید برخاسته و یا درباره حضرت مسیح ﷺ دچار افراط و تفریط گردیده‌اند و یا در تعامل با کتاب آسمانی خویش مؤمنانه عمل نکرده‌اند، با الفاظی همچون ممتز (جدال‌کننده علیه حق) (مریم / ۳۷)، خاسر (انعام / ۲۰) دروغ‌گو (انعام / ۲۱)، ظالم (فاطر / ۳۲)، مستکبر (احقاف / ۱۰) و کافر (احقاف / ۱۰؛ عنکبوت / ۴۶) خطاب شده‌اند که تندترین نقدها به‌شمار می‌رود، چنان‌که همین گروه از اهل کتاب به عذاب الهی وعده داده شده (حجر / ۹۱؛ عنکبوت / ۴۶) و به‌گونه‌ای از رحمت الهی بازمانده‌اند که حضرت حق به رسولش فرمان اعراض از آنان را صادر کرده تا در غفلت خویش بمانند. (انعام / ۹۱)

پذیرش مرجعیت علمی اهل کتاب

پنجمین قسم از آیاتی که تعاملات پیامبر ﷺ با اهل کتاب را در مکه به نمایش می‌گذارد، فقراتی است که بر مرجعیت علمی اهل کتاب صحنه نهاده و پیامبر و کسانی که در امکان نبوت وی تردید دارند را به پرسش از عالمان اهل کتاب فراخوانده است. قدیمی‌ترین آیه در این زمینه، آیه ۱۹۷ سوره شعراء است که برحسب نزول، معادل چهارمین و یا پنجمین فقره وحی در زمینه تعامل با اهل کتاب به‌شمار می‌رود. از این‌رو سبقه این قسم از تعاملات پیامبر با اهل کتاب، پس از آغاز سه نوع تعامل قبلی بوده و از اعتبار دینی و اجتماعی اهل کتاب در محیط مکه پرده برداشته است، در این باره ۵ آیه محل بررسی است.

نخستین فقره، آیه ۱۹۷ سوره شعراء است که در احتجاج با مشرکان فرموده: «یا علم بنی اسرائیل نشانه و آیتی بر حقانیت قرآن نیست؟» دروزه می‌نویسد: «انسجام و نظم این سوره که از آگاهی اهل کتاب در احتجاج با کافران مکه خبر داده، وجه مکی بودن این آیه را راجح می‌سازد.» (دروزه، بی‌تا: ۳۳۲ - ۳۳۱) وی در تفسیر الحدیث بر این باور است از سیاق آیه به‌نظر می‌رسد که عالمان اهل کتاب در جلسه‌ای همگانی در مکه

به حقانیت پیامبر ﷺ اقرار کرده و حجت را بر همگان تمام نموده‌اند، چنان‌که در آیه ۱۰ احقاف این معنا به‌وضوح بیشتری بیان شده است. (دروزه، ۱۳۸۳: ۳ / ۲۶۱ - ۲۶۰) دیگر مفسران نیز این آیه را مکی دانسته‌اند. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۵ / ۸۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۲۹۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵ / ۳۲۱ - ۳۲۰) سپس آیه ۱۰۱ سوره اسراء قابل استناد است که از پیامبر ﷺ خواسته تا درباره بنی‌اسرائیل از اهل کتاب سؤال نماید. جعفری می‌نویسد:

مقصود از بنی‌اسرائیلی که پیامبر موظف شده از آنان درباره معجزات نه‌گانه حضرت موسی پرسش نماید، یهودیان معاصر بوده‌اند که به مکه رفت‌وآمد کرده و از این رهگذر، پیامبر امکان ملاقات و پرسش از آنان را می‌یافت. (جعفری، بی‌تا: ۶ / ۳۶۶)

در آیه ۹۴ یونس نیز که براساس تاریخ‌گذاری دروزه، بلافاصله پس از سوره اسراء نزول یافته، خدا خطاب به رسولش فرموده: «اگر به آنچه بر تو نازل گردیده شک داری، از کسانی که پیش از تو مُستمر کتاب آسمانی می‌خوانند، پرسش نما.» پس از این دو آیه که نزول آن را می‌توان در سال‌های میانی دعوت پیامبر در مکه تخمین زد، در بیست سوره بعد که توقع می‌رود چند سالی پس از نزول سوره یونس باشد، در آیه ۴۳ نحل، منکران بعثت انسان، مکلف شدند تا از اهل ذکر، درباره رسولان گذشته، پرسش نمایند. پس از آن در آیه ۷ سوره انبیا، دقیقاً با همان عبارات تکرار گشته است. مفسران به اتفاق مقصود از «اهل الذکر» در این دو آیه را اهل کتاب دانسته‌اند که به‌عنوان عالمان جامعه حجاز ذی‌نفوذ بودند. (طوسی، بی‌تا: ۶ / ۳۸۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲ / ۲۵۸؛ رازی، ۱۴۲۰: ۲۰ / ۲۱۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۵۵۷)

در نتیجه علی‌رغم آنکه نمی‌توان سال نزول هریک از این آیات را اثبات نمود، اما باید اذعان کرد که پذیرش مرجعیت علمی - دینی اهل کتاب، در برهه طولانی و حتی پس از آیات عتاب ایشان، ادامه داشته است.

اختلاف میان اهل کتاب

آیه ۱۱۰ سوره هود به اختلاف پیروان حضرت موسی ﷺ پس از نزول تورات اشاره نموده و آنان را در شک معرفی کرده است. در آیه ۴۵ سوره فصلت نیز همین عبارتها تکرار شده است. سپس در آیه ۶۷ سوره نمل قرآن را بیانگر بسیاری از مواردی دانسته که بنی‌اسرائیل در آن اختلاف‌نظر دارند. این آیه را به‌نوعی می‌توان مؤید آیاتی دانست که به سؤال‌های یهودیان پاسخ داده است.

آیه ۱۴ سوره شوری، چهارمین موضعی است که از اختلاف و افتراق پیروان پیامبران پیشین سخن گفته و این بار این اختلاف را پس از علم به دستور الهی مبنی بر اقامه دین و دوری از تفرقه بیان کرده است. سپس ریشه این اختلاف را ظلم و حسد و برتری‌جویی میان آنان بیان کرده که موجب تردید وارثان آنان در نسل‌های بعد شده است.

آیه ۱۷ سوره جاثیه نیز آخرین آیه مکی است که به اختلاف میان بنی اسرائیل اشاره کرده است. در آیه ۱۶ این سوره به نعمت‌های یهودیان اعم از کتاب، حکمت، نبوت، روزی از طیبات و برتری آنان بر جهانیان اشاره کرده و در آیه ۱۷، از اختلاف عالمانه آنان که از ظلم و حسدشان نشئت گرفته، یاد کرده است.

نگاه قرآن به گذشتگان اهل کتاب

در کنار آیاتی که خطاب به اهل کتاب معاصر نزول قرآن نازل گشته، تأمل در آیاتی که پیرامون نیاکان آنان بوده نیز در کشف سیر تعامل با اهل کتاب آن دوران، حائز اهمیت است؛ زیرا ذکر نقد یا تأیید گذشتگان قومی که مورد تجلیل فرزندان خود بودند، نقش به‌سزایی در تعیین مناسبات آتی با آنان ایفا می‌کند، به‌ویژه اهل کتاب که بر برتری قوم خود بنا بر فقراتی از تورات که بنی اسرائیل را بر جهانیان افضلیت داده، تأکید داشتند، بنابراین با این مقدمه آیات مکی مرتبط با یهودیان پیشین را به دو دسته آیات تجلیل و آیات نقد می‌توان تقسیم کرد که گزارش مختصر هر یک به شرح زیر است:

آیات تأیید گذشتگان اهل کتاب

آیاتی که به تجلیل، تأیید و تصدیق گذشتگان اهل کتاب پرداخته و حتی آنان را اسوه مسلمانان در چگونگی پیمودن مسیر توحید قرار داده، خود به دو قسم قابل تقسیم است:

نخست آیاتی که به ستایش بنی اسرائیل پرداخته که جملگی روایتگر وضعیت آنان پیش از قیام علیه فرعون است. دورانی که ایشان در تنگنای ظلم و خفقان حکومت طاغوت بوده و با صبر و مقاومت و اتحاد دست از یاری حضرت موسی ﷺ نکشیدند تا فتح الهی فرارسید. (اعراف / ۱۳۷ - ۱۲۰؛ طه / ۸۲ - ۷۷؛ شعراء / ۶۴ - ۵۲)

دوم آیاتی که از پیامبران پس از حضرت موسی ﷺ همچون حضرت هارون، ایوب، یعقوب، یوسف، داوود، سلیمان، یونس و عیسی ﷺ و حضرت مریم ﷺ یاد کرده که همواره نسبت به ایشان موضع مثبت داشته و آنان را بندگان صالح الهی خطاب نموده است. (ص / ۵۰ - ۱۷؛ اعراف / ۱۰۴ و ۱۴۲؛ طه / ۱۳ و ۳۸ - ۲۹ و ۴۱؛ قصص / ۳۵ - ۲۹؛ یوسف / ۶ و ۳۸؛ انبیاء / ۴۸ و ۷۹ - ۹۱)

آغاز زمان نزول این آیات در سوره ص بوده و تا سال‌های پایانی دوران مکه که سوره انبیاء نازل گشته، ادامه یافته که تأمل در دو نکته حائز اهمیت است؛ نخست مصادف شدن نزول این فقرات داستانی با آغاز تعاملات مستقیم قرآن با اهل کتاب که خود مؤیدی بر ارتباط میان بنی اسرائیل پیشین و اهل کتاب معاصر نزول در دیدگاه آیات وحی است. دوم، فقراتی از وحی که در آنها از ایمان و ثبات قدم بنی اسرائیل یاد شده، در سوره‌های اعراف، طه و شعراء جلوه یافته که جملگی در زمره سوری است که در آغاز تعامل پیامبر ﷺ با اهل کتاب نزول یافته؛ برهه‌ای که تعاملات مثبت این دو قطب توحیدی فزون‌تر بوده و همزمان آیات تجلیل از اهل کتاب نیز نازل می‌شده است.

آیات نقد گذشتگان اهل کتاب

این قسم از آیات به عتاب‌هایی اختصاص یافته که بنی‌اسرائیل پس از پیروزی بر فرعون و تشکیل دولت توحیدی دریافت نموده‌اند. عتاب‌هایی بابت گوساله‌پرستی در آستانه نزول تورات (اعراف / ۱۵۰ - ۱۴۸؛ طه / ۹۷ - ۸۶)، درخواست رؤیت خدا (اعراف / ۱۵۵)، نافرمانی از ممنوعیت کار در روز شنبه به‌طور مخفیانه (اعراف / ۱۶۶ - ۱۶۳)، افراط و تفریط در حق حضرت عیسی و مادرش (مریم / ۳۷ - ۲۶) و شیفتگی به مظاهر دنیایی (قصص / ۸۲ - ۷۹)، اما زمان نزول این عتاب‌ها نیز همچون عمده آیات تجلیل بنی‌اسرائیل، مقارن با نزول نخستین سوره‌های مکی مرتبط با اهل کتاب بوده است، از این‌رو مواضع مثبت و منفی قرآن در برابر عملکرد گذشتگان اهل کتاب به شکل توأمان بیان می‌شده است؛ هرچند که به‌لحاظ کمی می‌توان ادعا کرد که آیات تجلیل از صبر و مقاومت بنی‌اسرائیل و بیان سرگذشت قیام ایشان، بر آیات عتاب غلبه داشته است.

سیر نزول آیات تعامل پیامبر اکرم ﷺ با اهل کتاب

چنان‌که روشن است، براساس سیر نزول سور قرآن، نخستین تعامل پیامبر ﷺ با اهل کتاب، تجلیل از ایمان آنان و سپس پاسخ به سؤال‌اتشان بوده، در سومین نوع تعامل، آنان را به دو گروه مؤمن و منکر تقسیم نموده، سپس به عتاب اهل کتاب پرداخته و در عین حال مرجعیت علمی ایشان را در تأیید حقانیت قرآن پذیرفته و در آخرین قسم از تعاملات به اختلاف‌های درونی آنان اشاره کرده است. با این وجود هیچ یک از تعاملات در بازه کوتاه و منفک از دیگر اقسام روابط این دو گروه شکل نگرفته است، بلکه در سال‌های میانی دوران رسالت پیامبر ﷺ در مکه، همه اقسام این تعاملات برقرار بوده و آیات مرتبط با آن نزول یافته است، از این‌رو جدول آیات مکی مرتبط با اهل کتاب بر پایه تاریخ‌گذاری سور در تفسیر الحدیث و التمهید ترسیم شده تا همجواری اقسام تعاملات و آمیختگی آنان با هم، مشاهده گردد.

جدول آیات

موضوع	سوره توحید
تجلیل اهل کتاب	الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ. (اعراف / ۱۵۷)
پاسخ به پرسش	يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي. (اعراف / ۱۸۷)
تفکیک فرق	ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا. (فاطر / ۳۲)
نقد مسیحیان	ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ. (مریم / ۳۴)
پذیرش مرجعیت	أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ. (شعراء / ۱۹۷)
اختلاف اهل کتاب	إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَفُصُّ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ. (نمل / ۷۶)

تجلیل اهل کتاب	الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ. (قصص / ۵۲)
پاسخ به پرسش	وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا. (اسراء / ۸۵)
پذیرش مرجعیت	وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَسَأَلَ بَنِي إِسْرَائِيلَ. (اسراء / ۱۰۷)
تجلیل اهل کتاب	قُلْ ءَأَمِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُونَ إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ. (اسراء / ۱۰۷)
پاسخ به پرسش	فَإِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْأَلِ الَّذِينَ يُقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ. (يونس / ۹۴)
اختلاف اهل کتاب	وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ. (هود / ۱۱۰)
پاسخ به پرسش	لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِلِّسَّائِلِينَ. (يوسف / ۷)
نقد یهودیان	الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْءَانَ عِضِينَ. (حجر / ۹۱)
نقد یهودیان	الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ، كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ. (انعام / ۲۰)
عتاب ^۱ یهودیان	تَجَعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا. (انعام / ۹۱)
اختلاف اهل کتاب	وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ. (فصلت / ۴۵)
اختلاف اهل کتاب	وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًا بَيْنَهُمْ. (شوری / ۱۴)
نقد مسیحیان	فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابٍ يَوْمِ الْهَيْمِ. (زخرف / ۶۵)
اختلاف اهل کتاب	وَأَتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا. (جاثیه / ۱۷)
تجلیل اهل کتاب	...إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى مِثْلِهِ فَأَمَنْ وَأَسْتَكْبَرْتُمْ. (احقاف / ۱۰)
عتاب اهل کتاب	...إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى مِثْلِهِ فَأَمَنْ وَأَسْتَكْبَرْتُمْ. (احقاف / ۱۰)
پاسخ به پرسش	وَلَا تَقُولْ لِمَنْ إِدْرِي فَأَعْلِمُ ذَلِكَ غَدًا. (كهف / ۲۳)
پذیرش مرجعیت	وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجَالًا نُوحِيَ إِلَيْهِمْ فَسَأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ. (نحل / ۴۳)
پذیرش مرجعیت	وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رَجَالًا نُوحِيَ إِلَيْهِمْ فَسَأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ. (انبیاء / ۷)
اسلوب نقد اهل کتاب	وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ. (عنکبوت / ۴۶) وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمِنْ هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ. (عنکبوت / ۴۷)

تحلیل و بررسی مواضع وحی در تعامل با اهل کتاب

انواع تعاملات پیامبر ﷺ با اهل کتاب براساس سیری که گذشت آغاز گشته و تا دوره طولانی ادامه یافته است.

۱. در دو آیه ۹۱ انعام و ۱۰ احقاف به جای نقد اهل کتاب از عبارت عتاب یهودیان استفاده شده؛ زیرا که عتاب معنای خطاب مستقیم را در برداشته و در این دو آیه از افعال مخاطب در نقد یهود استفاده شده است، اما در دیگر آیاتی که افعال به شکل غایب به کار رفته از عبارت نقد یهودیان استفاده شده است.

در این میان نخستین موضع قرآن نسبت به موحدان دیگر ادیان، تجلیل از عالمان صادق و امین آنان بوده و در آخرین فقره وحی نیز، بر رفتار مسالمت‌آمیز و جدال احسن و تکیه بر مشترکات با گروهی از آنان که اهل ظلم و انکار نبوده‌اند، تأکید شده که از آن می‌توان سیر نگاه مثبت قرآن به این گروه و تلاش برای ایجاد وحدت میان همه توحید باوران را در دوران مکه استنباط نمود، چنان که قرآن به تمامی سؤال‌های اهل کتاب پاسخ درخور ارائه نموده و از آن فراتر مرجعیت علمی آنان را در رفع ابهام از اخبار گذشته پذیرفته و نه تنها شکاکان، بلکه پیامبرش را به پرسش از ایشان فراخوانده که تمامی این موارد گام‌هایی محسوس در راستای تحکیم تعامل مثبت دو طرفه میان اهل کتاب و مسلمانان به‌شمار می‌رود.

با این وجود دستور به مسلمانان مبنی بر فراخواندن اهل کتاب به خدای واحد و اذعان به پذیرش کتب آسمانی آنان به نوعی ترسیم‌کننده خطوط قرمز قرآن در تعامل با این گروه توحیدی به‌شمار می‌رود، زیرا با این بیان می‌توان فهمید که مرز تعامل با اهل کتاب جایی است که آنان به دور از عناد در محدوده اعتقاد توحیدی خود باقی مانده و به کتاب آسمانی خویش التزام نشان دهند، چنان که در نقطه مقابل خدای متعال گروهی از اهل کتاب را که بخشی از تورات را آشکار و بخشی را پنهان کرده‌اند، نقد کرده است؛ گروهی دیگر را به سبب غلو در حق حضرت عیسی علیه السلام نقد کرده و گروهی دیگر را به سبب لجاجت و کفر و دشمنی در برابر آیات قرآن عتاب کرده و با شدیدترین تعبیر در حق آنان، پیامبر را از تعامل با ایشان بازداشته است، اما تحلیل این تعامل تنها به بررسی سیر رفتاری قرآن با اهل کتاب خاتمه نیافته و بازخوانی مواضع آنان در قبال دین جدید نیز به‌منزله روی دیگر سکه قابل بررسی است.

در سومین فقره وحی که از اهل کتاب سخن گفته شده به چند دستگی آنان تصریح گردیده است (فاطر / ۳۲) و در فقراتی از کلام الهی نیز به اختلاف آنان در فهم آموزه‌های تورات اشاره شده که جملگی بر مواضع توأمان مثبت و منفی اهل کتاب با پیامبر صلی الله علیه و آله صحه نهاده است، چنان که در چهار موضع عالمان و مؤمنان اهل کتاب به تصدیق پیامبر جدید برخاسته‌اند که با استناد به زمان نزول آیات مربوطه، این حمایت آشکار آنان از سال‌های ابتدایی دعوت پیامبر در مکه و طبعاً در برهه‌ای نزدیک پس از علنی شدن رسالت حضرتش آغاز شده و تا سال‌های پایانی حضرتش ادامه یافته است، اما به تدریج از حجم این تأییدها کاسته و بر دشمنی و انکار و استهزاء افزوده شده است. لذا نقد اهل کتاب در ایامی نه چندان دور از نزول سوره اعراف آغاز شده و تا آخرین فقره وحی ادامه یافته و علی‌رغم آیات تجلیل از آنان که در مرور زمان کم‌رنگ شده، بر عتاب و توبیخ ایشان افزوده شده است.

مهم آنکه اهل کتاب نخستین بار به سبب انحراف اعتقادی پیرامون حضرت عیسی علیه السلام در منظومه باورهای دینی خویش نقد شدند (مریم / ۳۷) که این نقد در سوره مدنی نیز ادامه یافته (نساء / ۱۷۱؛ مائده / ۷۷) که از تأکید قرآن بر مقابله با انحرافات توحیدی پرده برمی‌دارد، اما در پنج موضع دیگر که با فاصله پانزده سوره از

سوره اعراف و آغاز تعامل اهل کتاب با پیامبر شروع شده، یهودیان به سبب استهزای قرآن (حجر / ۹۹) انکار پیامبر علی‌رغم شناخت کامل (انعام / ۲۰)، انکار نزول وحی بر آدمی و کتمان قطعاتی از تورات (انعام / ۹۱)، کفر در برابر آیات وحی (احقاف / ۱۰) عتاب شده‌اند که جملگی نمایانگر مواضع خصمانه آنان با اقلیت مسلمانان و پیامبر خاتم ﷺ است.

چنان‌که این معنا در آخرین فقرات وحی جلوه بیشتری یافته است، از این‌رو در آیه ۴۶ عنکبوت، مسلمانان را به جدال احسن با اهل کتابی که ظالم نیستند، مأمور نموده است. استفاده از لفظ جدال و سپس تأکید بر احسن بودن آن، نمایانگر جنس روابط میان آنها در ایام نزدیک به هجرت است؛ روابطی که به‌گونه‌ای به تنش و مجادله کشیده شده و قرآن دستور می‌دهد مسلمانان با ظالمان اهل کتاب حتی مجادله نمایند و با غیر آنان به جدال احسن بپردازند. درحالی‌که در نخستین مواضع اهل کتاب، تصدیق پیامبر ﷺ به چشم می‌خورد نه جدال با وی، بنابراین مواضع مثبت اهل کتاب نسبت به آیات وحی در گذر زمان هرچند قطع نشده و در سوره رعد همچنان به خوشحالی برخی از آنان از نزول آیات وحی تصریح گردیده (رعد / ۳۶)، اما کاهش یافته است؛ بدین معنا که در پایان دوران ۱۳ ساله حضور پیامبر در مکه، عده‌ای که با آیین جدید در تقابل واقع شده و به جدال پرداخته‌اند یا آشکار آن را انکار نموده و در صف کافران قرار گرفته‌اند، نسبت به گروهی از اهل کتاب که به اسلام گرویده و نیروی متحد برای پیامبر تبدیل شده‌اند، غلبه داشته است. ضمن آنکه سهم یهودیان در دشمنی به مراتب فراتر از مسیحیان بوده است، چنان‌که مسیحیان تنها در دو سوره مریم و زخرف به سبب انحراف اعتقادی درباره حضرت عیسی ﷺ مورد نقد واقع شده‌اند، اما هیچ‌گاه به‌صراحت مورد مؤاخذه قرار نگرفته‌اند. درحالی‌که یهودیان در پنج موضع به سبب کفر و عداوت نسبت به پیامبر خاتم ﷺ، توبیخ شده‌اند.

نتیجه

با استناد به فهرست‌ها از ترتیب نزول سور قرآن، نخستین تعامل پیامبر اکرم ﷺ با اهل کتاب، تجلیل از ایمان و تصدیق آنان بوده، سپس پاسخ به سؤال‌های ایشان آغاز شده است. در سومین نوع تعامل نیز از دو گروه اهل کتاب صالح و معاند نام برده شده است. در چهارمین قسم معاندان اهل کتاب را عتاب نموده است، سپس بر مرجعیت علمی آنان صحه نهاده، ضمن آنکه اختلاف‌های درونی آنان را نیز یادآور شده است. با این وجود هیچ‌یک از این تعاملات در بازه کوتاه و منفک از دیگر اقسام روابط این دو گروه شکل نگرفته است، بلکه در سال‌های میانی رسالت پیامبر ﷺ در مکه، همه اقسام این تعاملات برقرار بوده و آیات مرتبط با آن نزول یافته است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن اثیر، عزالدین، ۱۴۰۷ ق، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن حزم الاندلسی، ۱۳۹۱، جمهرة انساب العرب، مصر، دار المعارف.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، ۱۳۶۳، تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- _____، ۱۴۰۸ ق، تاریخ ابن خلدون، تحقیق خلیل شحادة، بیروت، دار الفکر.
- ابن عاشور، محمدطاهر، بی تا، التحریر و التنویر، بی جا، بی نا.
- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، ۱۴۲۲ ق، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، ۱۴۱۹ ق، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابو الولید، محمد بن عبدالله، ۱۴۰۳ ق، اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، بیروت، دار الاندلس.
- احمدنژاد، امیر و زهرا کلباسی، ۱۳۹۳، «نقد دیدگاه مفسران معاصر درباره تعامل پیامبر با اهل کتاب در مکه»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، ش ۱۱، ص ۲۰۲ - ۱۷۵، تهران، دانشگاه تهران.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۶ ق، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت.
- بغدادی، محمد بن حبیب، ۱۳۸۴، المنمق فی اخبار قریش، حیدرآباد، بی نا.
- بلاغی، سید عبدالحجت، ۱۳۸۶، حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر، قم، حکمت.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ ق، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ثعلبی، احمد بن ابراهیم، ۱۴۲۲ ق، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- جعفری، یعقوب، بی تا، تفسیر کوثر، قم، هجرت.
- جعفریان، رسول، ۱۳۸۶، سیره رسول خدا ﷺ، قم، دلیل ما.
- جواد علی، ۱۹۸۰، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت، دار العلم للملایین.
- حسینی همدانی، سید محمد، ۱۴۰۴ ق، انوار درخشان، تهران، کتابفروشی لطفی.
- حلبی، علی بن برهان‌الدین، بی تا، السیرة الحلبیة (انسان العیون فی سیرة الامین المؤمن)، بیروت، المكتبة الإسلامية.
- حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان.

- دروزه، محمد عزت، ۱۳۸۳، *التفسیر الحدیث*، قاهره، دار احیاء الکتب العربیة.
- _____، بی تا، *سیرة الرسول (الصور المقتبسة من القرآن الکریم)*، بیروت، المنشورات المكتبة العصرية.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- رشیدرضا و محمد عبده، ۱۹۹۰، *تفسیر القرآن الحکیم (المنار)*، مصر، هیئة المصریة العامه للکتاب.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال و جوه التاویل*، بیروت، دار الکتب العربی.
- سید قطب، ۱۴۱۲ ق، *فی ظلال القرآن*، بیروت و قاهره، دار الشروق.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ ق، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- صبحی صالح، ۱۳۷۴، *پژوهش های درباره قرآن و وحی*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات اسلام.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۷، *احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- کلباسی، زهرا و امیر احمد نژاد، ۱۳۹۵، «مخاطب شناسی و تاریخ گذاری آیه ۹۱ سوره انعام»، *پژوهش های قرآنی*، شماره ۷۹، ص ۷۳-۵۲، مشهد، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم شعبه مشهد.
- کاشانی، فتح الله، ۱۳۶۶، *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی علمی.
- معرفت، محمد هادی، ۱۴۱۵ ق، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- مغنیه، محمد جواد، ۱۴۲۴ ق، *التفسیر الکاشف*، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- ملاحویش آل غازی، سید عبدالقادر، ۱۳۸۲، *بیان المعانی*، دمشق، مطبعة الترقی.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، بی تا، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دار صادر.



پروفیسر شہناز گل خان
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ